

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (صص ۲۷۶-۲۵۵)

امکان‌سنجی همگرایی ایران - پاکستان

(با تأکید بر گزینه رقیب هند)

۱- حمیدرضا محمدی

۲- ابراهیم احمدی

چکیده

تا ۱۹۴۷ میلادی، ایران و هند، دو کشور همسایه بودند که به واسطه تقسیم استعماری شبه قاره، کشور حائل پاکستان با انبوهی از مشکلات جایگزین هند شد. پس از این تاریخ، مسائل داخلی و خارجی هند و پاکستان به شدت به یکدیگر گره خورد. امروزه شناخت سیاست خارجی پاکستان بدون درک عمیق محیط سیاسی-امنیتی پیچیده آسیای جنوبی بخصوص در تطبیق با هند و افغانستان، امکان‌پذیر نیست. هدف این مقاله امکان‌سنجی و بررسی چالش‌های پیشروی همگرایی ایران با پاکستان در مقایسه و تطبیق با هند است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد با وجود اینکه ایران و پاکستان دارای زمینه همگرایی اند، این مهم تا حالا به صورت واقعی محقق نشده است. برعکس در انطباق با پاکستان؛ هند، در اغلب زمینه‌هایی که روابط پاکستان با ایران واگرا است، روابط همگرا و روبه رشدی با ایران دارد. قابل یادآوری است که هدف نویسندگان مقاله، ارائه پیشنهادی مبنی بر جایگزینی و ترجیح هند بر پاکستان و برعکس آن، در مناسبات و روابط خارجی ایران نیست؛ حال آنکه پاکستان همسایه مطمئن و قابل احترام ایران است و هند به واسطه پتانسیل‌های فراوان و سطح گسترده روابط-در سیاست خارجی ایران کشوری است راهبردی. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای روش کیفی است. گردآوری داده‌ها، با استفاده از منابع و ابزار کتابخانه‌ای است.

کلید واژه ها: ایران، پاکستان، هند، افغانستان، عربستان سعودی، تروریسم

Email: H.Mohamadi@Sbu.ac.ir

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

Email: e.ahmadi446@gmail.com (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۹

۱- مقدمه

نظریه همگرایی محصول تفکر و بیش گروه‌هایی بود که تعدد واحدهای سیاسی و حاکمیت ملی دولت‌ها را سبب بروز جنگ‌ها می‌دانستند. لذا این گروه‌ها تمام تلاش خود را برای ایجاد سازمان‌های فراملی اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به کار گرفتند تا با ایجاد جو همکاری میان دولت‌ها، از سطح تعارضات و مناقشات منطقه‌ای کاسته شود. پردازش نظریه‌هایی چون کارکردگرایی، نوکارکردگرایی و ارتباطات در راستای همین هدف صورت گرفته است که بر اساس آن دولت‌ها در مسائل مشترک اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دست به اقدامات همکاری جویانه می‌زنند (کاظمی، ۱۳۷۳: ۳۳). در اغلب پژوهش‌ها، مصاحبه‌ها و نطق کارشناسان، در رابطه با مناسبات ایران و پاکستان و آینده پیشروی این روابط، تبیین صفت همگرایی کاملاً بیگانه و ناآشنا است. چنانچه بخواهیم به درستی روابط پاکستان با همسایگانش و از جمله ایران را درک کنیم نیاز است در ابتدا، فهم تاریخی و درک عمیقی از تحولات این کشور طی [بیش از] شش دهه از استقلال آن داشته باشیم. شواهد حاکی است طی همین مدت زمان کم، پاکستان با گرفتاری‌های زیادی در داخل و بیرون مواجهه بوده است. بحران کشمیر، استقلال از بنگلادش، مشکلات حل نشده مرزی با افغانستان، کودتاهای متعدد ژنرال‌ها، جنگ شوروی با افغانستان، مشکلات فرقه‌ای و قومی، اقتصاد ورشکسته، ضعف در نهادهای دموکراسی و غیره، گویای پیچیدگی‌های غامضی است که درک آن بسی دشوار است. استقلال پاکستان حاصل تقسیمات استعماری است. پاکستان پس از استقلال از هند همواره با همسایگان ایدئولوژیک برخورد کرده است. این مسئله در برخورد با هر سه کشور ایران، افغانستان و هند صادق است. ازینرو، توسل به سیاست‌های نامعقول نظیر حمایت از گروه‌های تروریستی در برخورد با همسایگان بخشی از راهبرد چالش‌برانگیز این کشور است - که پاکستان را در مواضع کاملاً تندی و نماینده ارباب و رادیکالیسم معرفی می‌کند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). این مسئله در مورد ایران نیز صادق است. پس از کودتای ژنرال ضیاءالحق در پاکستان (۱۹۷۸) و پیروز انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹)، روابط صمیمی دو کشور در فضای غبارآلود ایدئولوژیک (شیعه - سنی)، تا حدود زیادی تیره شد. از آن پس نیز، مرزهای صلح و دوستی دو کشور تبدیل به مرزهای پرورش دهنده تروریست‌های جیش العدل، جندالله، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و... شده است. هرچند، روابط دو کشور به کرار رو به سردی نهاد ولی

هیچگاه از بین نرفت و سعی دو کشور همواره بر این بوده که مرزهای ثابت و دوستی آنها تحت هر شرایطی حفظ شود.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

ایران تا سال ۱۹۴۷ میلادی با هند همسایه بوده و پس از آن شبه قاره هند تجزیه شد، پاکستان به عنوان کشوری حائل میان هند و ایران قرار گرفت. از آن زمان تاکنون علاوه بر شکل‌گیری نوعی حائل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی میان ایران و هند، در بسیاری از عرصه‌ها، مسائل و موضوعات منطقه‌ای، پاکستان به عنوان یک متغیر میانجی میان هند و ایران عمل می‌کند (شاهین، ۱۳۹۵: ۶۵)، و بر عکس آن. در واقع، در بررسی روابط و تحلیل‌های سیاسی، هند و یا پاکستان با سایر دولت‌ها و کشورها در نظام بین‌الملل ناخواسته، کُنشگری‌های سیاسی دو کشور بر یکدیگر را نمی‌توان نادیده گرفت. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد در اغلب زمینه‌هایی که منافع و خواست ایران و پاکستان غیرهمسو و متناقض است؛ برعکس در همان زمینه‌ها، منافع ایران و هند همگرا، وابسته و روبه رشد است. با این حال سیاست ایران در باب هند و پاکستان (به واسطه اختلافات عمیق آنها) محتاطانه است. از یک سو، ایران به واسطه همسایگی با پاکستان، وجود مرزهای طولانی با این کشور و علقه‌های فرهنگی و تاریخی دیرینه در طرح‌های ضد پاکستانی، هند و آمریکا شرکت نمی‌جوید و پاکستان را دوست و همسایه‌ی مطمئن خود قلمداد می‌کند، از دیگر سو، ایران با هند در پاره‌ای از موضوعات منطقه‌ای و جهانی، نظیر نقش برهم زننده پاکستان در امنیت افغانستان، حمایت این کشور از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی با هند هم‌سو و متفق‌القول است. غیر از روابط امنیتی (مسئله افغانستان، مبارزه با تروریسم و...) روابط ایران و هند در زمینه‌های اقتصادی (بندر چابهار، صادرات انرژی، توسعه حمل‌ونقل و...) نیز گسترده‌تر از روابط با پاکستان است. اجمالاً به نظر می‌رسد، ایران بر اساس اصل موازنه منافع، سعی در تعادل روابط خود با هر دو کشور هند و پاکستان دارد، اما به‌طور کلی با عطف به مطالب یاد شده و برتری‌های هند (جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی این کشور، برخورداری از اهرم‌های قدرت اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و...)، نسبت به پاکستان؛ روابط ایران با هند عمیق‌تر و گسترده‌تر است.

- به طور اجمالی آیا می‌توان روابط ایران و پاکستان را همگرا خواند؟

- از حیث امکان‌سنجی؛ روابط ایران و پاکستان برای نیل به همگرایی با چه چالش‌هایی مواجه است؟

- آیا اصولاً هند می‌تواند به عنوان یک گزینه رقیب و یا جایگزینی برای پاکستان در سیاست خارجی ایران به حساب آید؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف این پژوهش بررسی چالش‌های پیش روی روابط پاکستان و ایران و تطبیق و مقایسه آن روابط نسبت به هند است. هند و پاکستان هر دو در زمره کشورهای مهم و اثرگذار در سیاست خارجی ایران به حساب می‌آیند. پاکستان با داشتن حدود ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران، درعین برخوردار از پتانسیل همگرایی، از طرفی - به واسطه جمعیت قریب به ۲۵۰ میلیون، توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی، گروه‌های افراطی و تندرو، روابط همه‌جانبه با عربستان سعودی (رقیب ایران) و... از پتانسیل‌های تهدید برعلیه ج.ا.ایران برخوردار است. از طرفی داشتن روابط خوب با هند به عنوان قدرتی نوظهور (اقتصادی، سیاسی، نظامی و تکنولوژیک) برای ایران با اهمیت است. از این سو نیز، هند به عنوان یک قدرت نوظهور و رقیب (با چین و آمریکا) به پتانسیل‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران (نقش مهم بندر چابهار، انرژی، مبارزه با تروریسم، رقابت با چین و پاکستان و...) وابسته است.

۳-۱- پیشینه تحقیق

گرچه تا کنون کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، و مقالات متعددی در زمینه روابط ایران و پاکستان و ایران و هند به صورت مجزا نوشته شده ولی تا کنون پژوهش مستقلی با این محوریت که روابط ایران و پاکستان را با عطف به متغیر تعدیلی هند بررسی کند، انجام نشده است.

۴-۱- چارچوب مفهومی و نظری

امروزه ساختار پیچیده ژئوپلیتیکی جهان قرن بیست و یکم، کشورها خود را جدای از سیستم و نظم حاکم بر نظام بین‌الملل نمی‌دانند و منافع آنها همواره به هم وابسته است. لذا این وابستگی در نهایت منجر به نوعی همکاری و درک متقابلی از منافع مشترک می‌شود. از این رو آنها (دولت‌ها) سعی می‌کنند از مجاری قانونی در شکل همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در قالب گروه‌بندی و بلوک بندی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی دست به تعامل و همکاری بزنند (زرقانی و احمدی،

۱۳۹۵: ۶۰). از این منظر، «همگرایی»، فرایندی است- که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکزی جدید معطوف نمایند (دئورتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۱۲۸). طی این فرایند، ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های داخلی خود صرف نظر کرده و در عوض در پی تصمیم‌گیری مشترک و یا تفویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های ناظر جدیدی هستند (مشیرزاده ۱۳۹۱: ۴۰-۴۱). «ارتباطات»، «کارکردگرایی» و «نوکارکردگرایی» از نظریه‌هایی هستند که غالب اندیشمندان معاصر، نظریات خود پیرامون همگرایی را در چارچوب این نظریه‌ها ارائه داده‌اند؛

۱. **ارتباطات:** یکی از نظریه‌های همگرایی «نظریه ارتباطات» است. تأکید اصلی طرفداران این نظریه بر مبادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. آنان معتقدند که افزایش مبادلات کشورها، همبستگی آنان را گسترش می‌دهد و این امر در نهایت، منجر به همگرایی می‌شود. گسترش ارتباطات در سطح جهانی سبب ایجاد یک هویت جمعی و بین‌المللی می‌شود که این معنا گاه حرکت از ملی‌گرایی به سمت جهان‌گرایی محسوب می‌شود (Dougherty and Pfaltzgraff 1981: 245). کارل دویچ معتقد است که تعامل بین دولت‌ها منجر به تشکیل «جوامع امنیتی» یا نظام‌های سیاسی- اجتماعی ادغام شده می‌گردد. وی در مورد رابطه همگرایی و ارتباطات می‌گوید: «کشورها جوامعی هستند که به وسیله رشته‌های ارتباطی سیستم‌های حمل و نقل به یکدیگر پیوند می‌خورند و درحالی‌که به هم وابسته می‌شوند، روند همگرایی را طی می‌کنند.» از نظر دویچ، همگرایی شرایطی است که در آن، مردم یک منطقه ضمن پرهیز از کارگیری زور و خشونت در روابط بینابین، مسائل خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل می‌کنند. به‌علاوه، از تشکیل و توسعه سازمان‌هایی که قادر به انجام تغییرات صلح‌جویانه و برقراری صلح باشند، حمایت می‌کنند (Taylor, 1968: 244).

۲. **کارکردگرایی:** کارکردگرایی به واسطه قرار گرفتن در مسلک نظریه‌های لیبرالی، نگاهی خوش‌بین و امیدوارانه به بسط همکاری‌های فراملی میان کشورها داشته است. این رویکرد بر این امر تأکید دارد که تامین نیازهای مشترک عاملی عمده در متحد ساختن مردم در ورای مرزهای دولت به شمار می‌رود. دیوید میترانی به عنوان یکی از چهره‌های اصلی کارکردگرایی با تأکید بر هماهنگی طبیعی منافع و نیازهای مشترک دولت‌ها معتقد بود که مباحث امروزی در روابط بین

الملل به نفع فراملی‌گرایی و وابستگی متقابل است (قوام، ۱۳۹۰: ۴۷). به نظر وی، سرمنشاء تعارضات میان دولت‌ها وجود شکاف‌های سیاسی است و نمی‌توان بر این شکاف‌ها با توافق حقوقی و انعقاد موافقتنامه و پیمان صلح فائق آمد. در نتیجه باید در عمل به دنبال رفع این شکاف‌ها بوده و به توسعه فعالیت مشترک پرداخت. فرض او بر این است که اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد؛ چراکه آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار گرفته و امکان همکاری در آن است. در واقع از این طریق نوعی وحدت اقتصادی حاصل می‌شود که می‌تواند به وحدت سیاسی نیز منجر شود. نظریه میترانی از بعد توجه به اهمیت بخش‌های مختلف اقتصادی و امکان همکاری در هریک از این بخش‌ها، توجه به بازیگران فراملی و نقش نهادهای کارکردی حائز اهمیت است، اما با انتقاداتی از قبیل قوی بودن جنبه هنجاری در آن مواجه گردیده و مشخص نیست که چگونه می‌تواند از حوزه اقتصادی به حوزه سیاسی برسد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۶۱). بنابراین، رویکردی جدید در بهبود نظریه میترانی تحت عنوان نو کارکردگرایی مطرح گردید.

۳. نوکارکردگرایی: نوکارکردگرایی از بسیاری جهات با کارکردگرایی متفاوت است؛ زیرا آن یک نظریه همگرایی منطقه‌ای است نه جهانی و عمدتاً به بررسی این فرایند در اروپای غربی مربوط می‌شود. ارنست هاس با اصلاحاتی که در نظریه کارکردگرایی به وجود آورد، توانست آن را در مورد جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا به کار گیرد که اتفاقاً نقش مؤثری در همگرایی کشورهای اروپایی داشته است (فرانکل، ۱۳۷۶: ۸۰-۷۷). وی معتقد بود که تحقق فرایند کارکردگرایی در مناطقی مثل اروپای غربی به‌ویژه در سایه تاریخ و ارزش‌های مشترک میسر گردیده است. هاس با کنار گذاشتن بعد هنجاری نظریه میترانی و افزودن یک بعد فایده‌گرایانه (Utilitarian) به آن - که بر اهمیت منافع و سود حاصل از تعاملات، تصمیمات و ... تاکید دارد - تلاش کرد جنبه علمی کارکردگرایی را حفظ نماید. در واقع، هدف نوکارکردگرایی تبیین این مسئله بود که چرا و چگونه دولت‌ها حاکمیت خود را رها می‌کنند و حاکمیت‌ها در هم ممزوج شده و فنون جدیدی برای حل و فصل تعارضات میان کشورها تدبیر می‌گردد. در این نگاه، برداشت از همگرایی با تاکید بر منافع است. به تعبیری در این برداشت فایده‌گرایانه یا ابزاری از همگرایی به وضوح دوری از برداشت‌های آرمان‌گرایانه‌ای که در آنها بر خیر مشترک و هماهنگی منافع تاکید می‌شود، مشاهده می‌شود. بر این اساس، فرض بر خود محوری و منفعت طلبی کُنشگران است. نوکارکردگرایی منفعت طلبی را مُسلم

می‌گیرد و برای مشخص کردن حدود برداشت‌های ذهنی کنشگران بر آن اتکا می‌نماید (Hass, 1970: 693). ماهیت نوکارکردگرایی، از نظر هاس، غلبه تدریجی تصمیمات اقتصادی بر گزینه‌های پراتهاب سیاسی است که سرانجام به سوی ایجاد یک مرکز فراملی پیش می‌رود، بدون آنکه به آرزوهای انفرادی واحدهای سیاسی توجهی کند و در نتیجه آن، اتحاد اقتصادی در نهایت، به یک اتحاد سیاسی منجر خواهد شد (Lieber, 1972: 430)، از این منظر به تدریج، نوعی وابستگی متقابل بین کشورهای در نظام منطقه‌ای و جهانی شکل می‌گیرد که فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. در این «وابستگی متقابل» (Interdependence) در سیاست جهانی (در بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف)، به تبع، تأثیرگذاری‌های متقابلی وجود دارد. این تأثیرگذاری‌ها اغلب از مبادلات بین‌المللی - نقل و انتقال پول، کالا، افراد و پیام در سطح بین‌المللی - ریشه می‌گیرد (Keohane, 1984: 336). بنابراین، همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطقی که سطوح بالاتری از تأثیرگذاری و حساسیت در آن وجود دارد، می‌تواند به شکل‌گیری روند سیاسی و نیز نهادهای مشترک سیاست‌گذاری منجر شود. البته لزوماً همگرایی و وابستگی متقابل یکی نیستند، ولی بین آنها تقارن و پیوند نزدیکی وجود دارد.

۲. یافته‌های پژوهشی

تبیین روابط ایران - پاکستان و تطبیق آن با هند

۲-۱- مکان‌سنجی سیاسی - امنیتی

تحلیل روابط ایران و پاکستان بدون در نظر گرفتن آرایش سیاسی آسیای جنوبی و نظم حاکم بر آن دشوار به نظر می‌رسد. شرایط سیاسی جنوب آسیای منطری از تضادی از نظم و بی‌نظمی است که بازیگران اصلی آن مثلث هند، پاکستان و افغانستان است؛

۲-۱-۱- اختلافات سرزمینی هند - پاکستان

جنوب آسیا صحنه درگیری‌های پیوسته و ادامه‌دار دو کشور هند و پاکستان از تاریخ استقلال پاکستان (۱۹۴۷م) از هند تا کنون است. بحران تاریخی کشمیر، اصلی‌ترین مسأله مورد اختلاف بین هند و پاکستان است که بر تمامی شئون روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. این بحران ترکیبی پیچیده از مطالبات ملی-قومی، تفاوت‌های مذهبی، تروریسم، خشونت سازمان‌یافته، فساد و ترس فراگیری است که از بدو استقلال پاکستان از هند موجب تقابل دو کشور با یکدیگر گردید (اطاعت

و احمدی، ۱۳۹۴: ۵). این امر موجب شده که دو کشور چه در سطح منطقه و چه فراتر از آن، اقدام به یارگیری نمایند. هند با گرایش به سمت آمریکا و پاکستان با چرخش به سمت چین، فضایی دو قطبی در جنوب آسیا شکل داده‌اند که سایر کشورهای این منطقه نیز در حال سازماندهی حول این دو محور محور هستند (شفیعی و فرجی نصیری، ۱۳۹۳: ۹).

۲-۱-۲- مناقشات سرزمینی افغانستان - پاکستان

در میان همسایگان پاکستان، این کشور به دلیل دارا بودن طولانی‌ترین مرز مشترک با افغانستان «بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر» و اختلافات مرزی میان دو کشور «بر سر خط مرزی دیورند» که از بدو استقلال پاکستان (۱۹۴۷) تاکنون تداوم داشته، پویای امنیتی بسیار نزدیکی با افغانستان دارد (DSouza, 2009: 2-3). در این بین ناسونالیسم پشتون در صدد تشکیل کشوری با اکثریت قوم پشتون است، که این مسئله با منافع پاکستان مخالف است و همین امر نیز روابط بین پاکستان و افغانستان را بر بنیاد خصومت و سوء تفاهم شکل داد و این خصومت‌ها در طول ۶۰ سال ادامه یافته است. مقامات افغانی بارها مشروعیت حقوقی و سیاسی معاهده دیورند را زیر سؤال بردند و خواهان لغو آن بودند. با این وجود نبود قرار داد مرزی میان افغانستان و پاکستان، و عدم تمایل افغانستان به شناسایی مرزهایش با پاکستان به منزله‌ی تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی پاکستان محسوب می‌شود (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۸۵).

۲-۱-۳- افغانستان، صحنه رقابت پاکستان با هند و ایران

در صحنه سیاسی افغانستان منافع ایران و هند در تضاد کامل با پاکستان است. پاکستان سرمایه گذاری خود را بر روی طالبان، عموماً به عنوان سرمایه‌ای استراتژیک در مقابل هند و افغانستان و مخصوصاً با چشم‌انداز «روی کار آوردن رژیم دوستانه در افغانستان»، «محدود کردن نفوذ سیاسی هند در آن کشور»، «ختی کردن مخالفت ناسیونالیستی پشتون‌های افغان با خط مرزی دیورند» و «مدیریت منافع و نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی» می‌بیند (Gautam, 2010: 34). بی‌شک این اقدامات دارای آثار وخیمی بر امنیت عمومی منطقه و امنیت خصوصی جمهوری اسلامی ایران بوده، مسئله‌ای که نه تنها مهمترین عامل تنش ایران و پاکستان در افغانستان است، بلکه مایه نگرانی هند و سایر دول (حتی ایالات متحده)، نیز هست (احمدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). غیرازاین، پی‌ریزی مشارکت استراتژیک با افغانستان می‌تواند هند را در دستیابی هدف اصلی خود در جنوب آسیا که

همان هژمون منطقه‌ای است، یاری دهد- چرا که مشارکت استراتژیک هند با افغانستان، « عمق استراتژیک» این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش می‌دهد؛ که نه تنها از محاصره هند، توسط چین و پاکستان جلوگیری می‌کند، بلکه باعث محاصره و مهار پاکستان شده و فشارهای مضاعفی را بر این کشور وارد می‌سازد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰). ژئوپلیتیک ایران نیز ایجاب می‌کند از نفوذ هر کشور خارجی در افغانستان که بتواند با منافع ایران در این کشور رقابت کند، پیشگیری به عمل آورد. مسلماً پاکستان یک چنین رقیب بالقوه است (فولر، ۱۳۷۶: ۲۳۵). شاید بتوان گفت هند و ایران از معدود کشورهای هستند که تعهدات خود را در رابطه با افغانستان عملیاتی کرده‌اند. ایران و هند هر دو در زمره کمک‌کنندگان به افغانستان‌اند. این همکاری‌ها هم به عنوان مانعی در برابر جاه طلبی‌های پاکستان در منطقه و همراهی برای جلوگیری از انزوای بیشتر ایران خواهند بود (Nader & et al, 2014). ایران به احیای زیرساخت اقتصادی افغانستان کمک می‌کند و در این کشور به ساخت جاده و نیز سایر زیرساخت‌ها مشغول است و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در این کشور انجام داده است (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۹). هند نیز بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برای کمک‌های عمرانی، بازسازی و بشردوستانه در افغانستان هزینه کرده است؛ ساخت مدرسه، بورس ۱۰۰۰۰ دانشجوی افغانی، ساخت بزرگراه، سد، نیروگاه‌های برقی و غیره تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های عمرانی هند در افغانستان است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷۶). علاوه بر این، هم‌اکنون، افغانستان بزرگترین بازار واردات از هند است. در سال ۲۰۱۶، حجم تجارت هند ۴۸۳ میلیون دلار بوده که از این مقدار ۲۲۰ میلیون دلار (حدود ۴۶ درصد)، سهم صادرات هند به افغانستان بوده است (Panda, 2017, October 30)

۲-۱-۴- متغیر عربستان سعودی

این‌گونه به نظر می‌رسد؛ در دوران حکومت پهلوی با وجود برخی مسائل قابل چشم‌پوشی ناشی از رقابت منطقه‌ای و حتی تفاوت‌های مذهبی، روابط دو ستانه و هم‌سویی سیاسی وجه غالب در مناسبات دو کشور ایران و عربستان بود. به طور حتم تقابل منافع ایران و عربستان درست پس از پیروزی انقلاب آغاز شد و این سرانجامی بود برای نزدیکی عربستان به حکومت تازه پای‌گرفته ضیاءالحق در پاکستان. عربستان به این دلیل توانست خود را به ضیاء الحق نزدیک سازد که این کشور همانند بسیاری از کشورهای منطقه از انقلاب ایران برداشت ایدئولوژیک یا به عبارتی برداشت شیعه- سنی داشت، یا حداقل به ترس از امواج سرایت انقلاب ایران (به دلیل

ماهیت حکومت پادشاهی) به درون مرزهایش، از ایران به مثابه یک رقیب هژمونیک و مقابله‌گر در تحولات حال و آینده منطقه می‌نگریست. در نتیجه این هم‌سویی، روابط بسیار نزدیکی میان پاکستان با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، بویژه عربستان سعودی برقرار شد که برآیند آن در تحولات افغانستان واضح و ویرانگر بود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). پاکستان از گذشته (بخصوص از زمان حمله شوروی به افغانستان) تا به امروز، دارای سطح وسیعی از روابط با عربستان بوده است. کمک‌های مالی فراوان و دائم به اقتصاد ورشکسته پاکستان، همگرایی در مذهب و ایدئولوژی، روابط گسترده استراتژیکی و نظامی و... بخش از مناسبات خوب دو کشور است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). به تبع، نیز نفوذ معنوی و ایدئولوژیک عربستان در پاکستان نیز گسترده بوده است. دولت عربستان در سال‌های اخیر برای گسترش وهابیت در سطح داخلی و خارجی اقدام به فعالیت‌هایی گسترده کرده است. تأسیس حوزه‌های علمیه و جذب و تربیت طلاب علوم دینی، احداث دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مساجد، راه‌اندازی فروشگاه‌هایی در قالب تبلیغات وهابی‌گری، ورود برخی از افراد در پاره‌ای از مشاغل خدماتی و امدادی در بعضی از مؤسسات خیریه و... همه این فعالیت‌ها با رویکرد تبلیغ و ترویج وهابیت انجام می‌گیرند (رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۵). ازینرو افکار و افعال سلفی‌گری وهابیت به دلیل تعارض شدیدی که با تشیع دارد، برای اختلال در روابط پاکستان و جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۰). آمار غیررسمی حکایت از آن دارد که حدود ۲۰ هزار مدرسه مذهبی در پاکستان وجود دارد. گفتنی است بیش از ۱/۵۴۹/۲۴۴ دانش‌آموز در این مدارس مشغول به تحصیل می‌باشد که عربستان سعودی بیشترین سهم را در تجهیز این مدارس دارد. مضاف بر اینها، فقر وسیع مردم پاکستان و نیازهای شدید مالی و حمایتی این کشور به عربستان، پاکستان را کشوری نیازمند قلمداد کرده- که به شدت به حمایت‌های مالی عربستان وابسته است، کما اینکه عربستان سعودی میزبان یکی از بزرگترین جمعیت‌های مهاجر پاکستانی در حدود ۱/۵ میلیون نفر است. بنابراین همین دلایل کافی اند تا پاکستان با بسیاری از برنامه‌های عربستان هماهنگ باشد (محمدی و احمدی ب، ۱۳۹۴: ۱۵۲). بی‌شک عربستان سعودی به واسطه‌ی نفوذ (مادی و معنوی) خود در پاکستان، یکی از گزینه‌های اصلی در واگرایی و روابط تنش‌ی ایران و پاکستان است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

۲-۱-۵- تناقض رویکرد سیاسی - امنیتی پاکستان با هند و ایران (رهیافت تروریسم)

پاکستان همواره در دام تصورات غالباً نادرست گیر مانده و به دامن‌زدن سیاست انعطاف‌ناپذیر و مبتنی بر خشونت و برهم زدن نظم منطقه و همسایه‌گان شده است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۱). افزایش تهدیدات امنیتی ناشی از پدیده تروریسم بویژه اقدامات گروه‌های افراطی و تکفیری در منطقه آسیای غربی و جنوب‌غربی آسیا و همچنین شبه قاره هند، تهدیدهای مشترکی برای امنیت ملی ایران و هند و همچنین امنیت و ثبات امنیتی منطقه محسوب می‌شود (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷۱). در این راستا تهران و دهلی نو در مورد پیامدهای زیانبار گسترش شبه نظامی اسلام‌گرای سنی در جنوب آسیا، آسیای مرکزی و سایر مناطق نگران هستند. هر دو کشور نگران احیای قدرت و نفوذ گروه‌های افراطی در افغانستان و فراسوی آن بویژه در پاکستان می‌باشند. تجربه نشان داد که هرگاه در افغانستان و پاکستان گروه‌های تروریستی و تندرو قدرت بیشتری یافتند (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸: ۵۰)؛ دامنه ناآرامی‌ها و تنش‌های به وجود آمده از ناحیه این گروه‌ها به هند و ایران سرایت کرده است. عمدتاً نیروهای رادیکالی که در پاکستان آموزش می‌بینند تحت حمایت‌های لجستیکی عربستان و پاکستان برای هند و ایران تهدیدی بالقوای‌اند. در پی جنگ‌های هند و پاکستان بر سر حاکمیت ایالات کشمیر بود که بسیاری از این گروه‌ها بر علیه هند، در قالب گروه‌های جهادی کشمیر وارد منازعه هند و پاکستان شدند. در همان سال‌های اول جهاد کشمیر (۱۹۹۰-۱۹۹۸م) بیش از ۱۵۰ گروه در صحنه حاضر شدند و بعضاً برخی از این گروه‌ها با هم متحد شدند و گروه‌های بزرگتری را تشکیل دادند (Jamal, 2010: 8). حرکه‌المجاهدین، لشکرطیبه، جیش محمد، مجاهدین البدر، احرارالهند و ... از جمله گروه‌های کشمیری - پاکستانی‌اند، که اغلب در رابطه با هند تعریف شده‌اند. لشکرجهنگوی، سپاه صحابه، جندالله، جیش العدل، نیز از جمله گروه‌هایی‌اند، که به تبعیت از مشترکات دیوبندی و وهابیت، تا حالا علیه شیعیان و ایران دست به خشونت‌های گسترده زدند (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷۲). نکته اصلی این است که پایگاه بسیاری از این سازمان‌های ستیزه‌گر در مناطق قبیله‌ای پاکستان و کشمیر آزاد است و بدتر اینکه بعضی تحلیل‌گران معتقدند که عناصر طالبان و آی.اس.آی (سازمان اطلاعات پاکستان) با یکدیگر همکاری دارند و فعالیت هایشان جدا از هم نیست. ۱۸۰ گزارش مستند متفاوت موجود است که نشان از دیدار افراد رده بالای آی.اس.آی، با فرماندهان ارشد طالبان دارند، که اغلب وظیفه آنها آموزش بمب‌گذاری و حتی سازماندهی عملیات پیچیده به عناصر طالبان است (Baqal, 2012: 243).

در یک بررسی اجمالی می‌بینیم که در عمل این گروه‌ها تا حالا دست به خشونت‌های زیادی علیه ایران و هند زدند. حمله لشکرطیبه (نوامبر ۲۰۰۸) به مناطقی از شهر مومبای (مرکز تجارت هند)، که منجر به کشته شدن ۶۵ تن و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ تن شد (ملکی، ۱۳۹۳: ۹۶). حمله به سفارت هند در ۲۰۰۹ که منجر به کشته شدن ۷۵ نفر شد، از جمله اقدامات این گروه‌ها است. همانند هند، تا حالا حملات تروریستی زیادی علیه ایران در داخل و خارج از جانب این گروه‌ها صورت گرفته است. ترور صادق گنجی (مسئول خانه فرهنگ ایران در لاهور)، قتل عام صدها نفر از شیعیان هزاره توسط طالبان در افغانستان، ترور دیپلمات‌های ایران در افغانستان، حمله به مسافران در محور تاسوکی - زابل که منجر به شهادت ۲۲ تن شد، تنها بخش کوچکی از عملکردهای خشونت طلب این گروه‌ها است (محمدی و احمدی (الف)، ۱۳۹۴: ۲۷۶). گفتنی است از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ هند در میان هشت کشوری قرار دارد که بیشترین میزان حملات تروریستی را تجربه کرده است (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸: ۴۱). اقدام دیگری که قادر است هند و ایران را از جانب این گروه‌ها مورد تهدید قرار دهد، دستیابی احتمالی این گروه به تأسیسات هسته‌ای است. با توجه هم‌جواری دولت‌های پاکستان و افغانستان، به عنوان مأمین گروه‌های افراطی با دو کشور هند و ایران و با وجود تأسیسات هسته‌ای (در پاکستان)، دو کشور می‌توانند در معرض مستقیم اقدامات گروه‌های افراطی برای دستیابی به مواد و تسلیحات هسته‌ای قرار بگیرند (سجادپور و کریمی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). بنابراین با وقوع حوادث هسته‌ای توسط گروه‌های افراطی حتی اگر این کشورها هدف مستقیم نباشند، باز هم متأثر خواهند شد. با به قدرت رسیدن حزب BJP در هند (۱۹۹۸-۲۰۰۴ م.) روابط دو کشور شاهد یک تحول اساسی بود و از روابط اقتصاد محور به امنیت محور ارتقا یافت. انعکاس نگرانی مشترک ایران و هند درباره تروریسم به طور کلی و القاعده و طالبان به طور اخص، سبب شد که برای مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده تروریسم در سال ۲۰۰۳ م. گروه کاری مشترک هند و ایران برای مقابله با حرکات تروریستی در منطقه ایجاد شد (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). همسو با تلاش آنان در زمینه تروریسم، ایران و هند گروه کاری مشترکی را در مقابله با قاچاق مواد مخدر و اسلحه بویژه از پاکستان و افغانستان، ایجاد کردند. هند و ایران نگرانی مشترکی درباره نقش گذشته و حال پاکستان در تقویت اسلام وهابی و تأمین انواع کمک برای طالبان دارند. هم اکنون نیز هر دو کشور نسبت به صداقت پاکستان در نبرد با طالبان و حضور و نفوذ طالبان در خاک پاکستان تردید دارند (Fair, 2011: 105).

۲-۲-۲- امکان‌سنجی اقتصادی

در کل حجم مراودات و سطح و تنوع در مراودات اقتصادی ایران با پاکستان بسیار کمتر از ایران با هند است. حتی در زمینه انرژی که امید دو کشور خط لوله صلح بوده، تحت فشارهای وارده به پاکستان (از جانب آمریکا و احتمالاً عربستان سعودی) تا حالا عقیم مانده. هند در همه زمینه‌های اقتصادی با ایران از پاکستان جلوتر است.

۲-۲-۱- همکاری‌های اقتصادی ایران - پاکستان

مهمترین موضوع در مناسبات اقتصادی ایران و پاکستان طی سال‌های اخیر، پایین بودن حجم مبادلات اقتصادی دو کشور بوده است. حجم صادرات ایران به کشور پاکستان در بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ م. حدود ۲۶۵ میلیون دلار بر آورد شده است و حجم واردات از این کشوری تنها رقم ۹۲ میلیون دلار اعلام شد. صادرات غیر نفتی ایران به پاکستان با افزایش ۱۱٪ در اوت ۲۰۰۸ به ۲۷۸ میلیون دلار رسید (Pant, 2009). روابط تجاری دو کشور را در سال ۲۰۱۳ م. بیش از ۸۹۳ میلیون دلار اعلام شد، با این بیان این رقم حتی نسبت به سال‌های پیش از آن هم کاهش داشته است. به طور اجمالی در حال حاضر مراودات اقتصادی دو کشور از مطلوبیت چندانی برخوردار نیست. به غیر از سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ م. که دو کشور بیشترین حجم مبادلات حجم تجارتی، بالغ بر ۱/۳ میلیارد را داشته اند، مبادلات اقتصادی ایران و پاکستان همواره روند کاهشی داشته است. در سفر نواز شریف (۲۰۱۴ م.) به تهران دو طرف بر افزایش حجم مبادلات تجاری تا ۵ میلیارد دلار تاکید کردند. اجمالاً از جمله دلایل پایین بودن روابط اقتصادی دو کشور در سال‌های اخیر می‌توان به- افزایش تحریم‌های آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران بویژه تحریم بانک مرکزی، بالا بودن موانع غیرتعه‌ای، بالا بودن حجم مبادلات تجاری غیر رسمی (قاچاق) در مقایسه با مبادلات رسمی، مکمل نبودن اقتصاد دو کشور و کیفیت پایین کالاهای پاکستانی، عدم بهره‌گیری موثر از ظرفیت نهادهای همکاری منطقه‌ای مانند؛ سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در روابط اقتصادی دو جانبه و مهم‌تر از همه، تأثیرپذیری همکاری‌های اقتصادی از تحولات سیاسی داخلی و منطقه‌ای اشاره کرد (محمدی و احمدی الف، ۱۳۹۴: ۲۹۶).

۲-۲-۲- نفت و گاز ایران

بریتیش پترولیوم، در سال ۲۰۱۳ م. اعلام کرد، ایران با ۹/۳٪ کل ذخایر نفت جهان، چهارمین دارنده بزرگ ذخایر نفتی جهان است (BP, 2013). این میزان نفت بر اساس گزارش ۲۰۱۵ م. نیز

صادق بوده است. همچنین بریتیش پترلیوم (ژوئن ۲۰۱۵)، ذخایر گازی ایران را ۳۴ تریلیون متر مکعب اعلام کرد، که با این اعلام، ایران بزرگترین دارنده منابع گازی جهان به شمار می‌رود (BP, 2015: 6). بر این اساس، ایران از نظر داشتن ذخایر غنی انرژی‌های فسیلی و توان استخراج و صادرات جزو کشورهای مهم جهان قلمداد می‌شود.

۲-۲-۳- همکاری‌های اقتصادی ایران و پاکستان در زمینه انرژی

بر اساس آمار اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، گاز طبیعی ۴۹٪ از انرژی اولیه پاکستان را تأمین کرده که تمامی آن در داخل این کشور تولید می‌شود. گفتنی است که متوسط تولید میادین گازی در این کشور به شدت رو به کاهش است، به نحوی که متوسط تولید روزانه گاز در این کشور از ۱۱۳ میلیون متر مکعب در سال ۲۰۱۲م. به ۶۲/۷ میلیون متر مکعب در سال ۲۰۱۳ رسیده است (Energy Information Administration, 2013). در این راستا یکی از منابع مهم تأمین گاز، که می‌توانست تا حد زیادی نیازهای گازی پاکستان را برطرف کند، پروژه خط لوله صلح (آی.پی)، بود. این پروژه به دلایلی از جمله تحریم‌های بین‌المللی، فشار آمریکا و عربستان سعودی، عدم اعتماد هند و پاکستان به یکدیگر، عملاً به حالت تعلیق و تعطیل درآمده است (Sial, 2015: 2). نیاز پاکستان به انرژی برق، از دیگر جنبه‌های همکاری‌های انرژی دو کشور است. از آنجایی که اسلام‌آباد از سال ۲۰۰۵م. به طور فزاینده‌ای در جهت نیازهای انرژی خود به تهران متمایل شده است، ایران توانسته است از طریق یک خط انتقال ۱۳۲ کیلو ولتی به پاکستان برق صادر کند. صادرات برق ایران به پاکستان در سال ۲۰۰۶م. از ۳۹ مگاوات به ۷۵ مگاوات به مناطق مرزی بلوچستان و بندر گوادر افزایش داشته است. همچنین ایران به دنبال احداث یک نیروگاه ۲۰۰ مگاواتی در ایالات بلوچستان پاکستان و ساخت نیروگاههای کوچک ۲۵ مگاواتی در مناطق دیگر این کشور است (شکوه، ۱۳۹۱). غیراز این دو کشور توانستند در اوت ۲۰۰۸ جهت ساخت نیروگاه برقی ۱۰۰۰ مگاواتی جهت عرضه برق به پاکستان به توافق برسند. این پروژه ۶۰ میلیون دلاری قرار است روزانه ۴۰ مگاوات برق را به پاکستان را انتقال دهد. به طور اجمالی از حیث نیازمندی‌های انرژی پاکستان داری کمبود شدید منابع و تکنولوژی در این بخش است (Shah and Khalid, 2015: 209).

۲-۲-۴- سهم صادرات و واردات ایران و هند

براساس گزارش‌ها، در سه ماه اول ۲۰۱۵ میلادی، ۱۰ میلیارد و ۸۶۷ میلیون دلار انواع کالا از ایران به سایر کشورها صادر و در مقابل ۱۰ میلیارد و ۳۴۷ میلیون دلار نیز وارد کشور شده است. در این گزارش هند، پس از چین، عراق و امارات، در رتبه چهارم قرار گرفت. صادرات ایران به هند در این مدت ۷۲۹ میلیون دلار بود که ۴۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. سهم صادرات هند به ایران در سال ۲۰۱۵ میلادی ۶۳۶ میلیون دلار گزارش شده است. در این رتبه‌بندی، هند پس از چین، امارات، کره جنوبی و ترکیه، در رتبه پنجم صادرات کالا به ایران قرار دارد (Financial Tribune, August 31, 2017).

۲-۲-۵- اهمیت انرژی برای هند

از آنجا که رشد اقتصادی همواره با رشد تقاضای انرژی همراه است، تقاضای نفت هند نیز با افزایش رشد اقتصادی، روندی فزاینده دارد (جانسیرو و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱). هم‌اکنون، هند در زمره یکی از بزرگترین کشورهای مصرف‌کننده‌گان انرژی است. آمارها نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ بطور متوسط تقاضای هند برای واردات انرژی، رشد کرده است (Teja, 2015: 89). میزان تقاضای جهانی انرژی هند بر اساس گزارش (BP)، در سال ۲۰۱۵، ۲/۶ درصد بوده است. این میزان تقاضای انرژی مصرفی هند از حد متوسط جهانی هم بیشتر است (BP, 2015: 2). هند از حیث تأمین انرژی در تنگنا است. هند رتبه بیست و پنجم را در زمینه ذخایر گازی طبیعی و رتبه بیست و سوم را در زمینه ذخایر نفت خام در جهان داراست. در هند زغال سنگ بیش از ۵۳ درصد، عمده‌ترین تأمین‌کننده انرژی مصرفی است. همچنین نفت خام با سهمی معادل ۲۹ درصد دومین منبع انرژی این کشور است. هم‌اکنون، هند به چهارمین مصرف‌کننده نفت خام و فرآورده‌های نفتی جهان پس از ایالات متحده آمریکا، چین و ژاپن تبدیل شده است، و انتظار می‌رود که در طول دهه‌های آینده تقاضای این دولت برای واردات انرژی بیش از این افزایش یابد. تقاضای نفت هند تا سال ۲۰۴۰ به ۸/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و براساس آمارها همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ هند در مصرف نفت از ژاپن پیشی بگیرد و ۵ درصد از تقاضای نفت جهان را به خود اختصاص دهد (جانسیرو و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲).

۲-۲-۶- نیاز نفتی هند به ایران

پیش از اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران، تهران دومین صادرکننده نفت به هند بود، اما

تحریم‌های بین‌المللی روابط اقتصادی دو کشور را محدود کرد. به واسطه تحریم‌های بین‌المللی آمریکا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی واردات نفت هند از ایران به میزان ۱/۳۳ درصد و ۳۷/۸۱ درصد کاهش داشته است (EIA, 2015, June 24). این میزان کاهش نیز در سال ۲۰۱۴ به مراتب بیشتر شد (Verma (a), 2016 August 2). و این امر سبب شد هند نفت مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر از جمله عراق تامین کند. با لغو بخشی از تحریم‌های بین‌المللی بر ضد ایران و اقدام پالایشگاه‌های دولتی هند در افزایش خرید نفت خام، میزان واردات نفت خام هند از ایران در سال مالی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ از مرز ۵۰۰ هزار بشکه در روز فراتر رفت. از زمان لغو تحریم‌های بین‌المللی ایران (ژانویه ۲۰۱۶) واردات نفت هند از ایران به ۵۰۶/۱۰۰ بشکه در روز رسیده است (Verma(b), 2016 January 16). در سال ۲۰۱۷ نیز، با ۹۲ درصد افزایش به ۵۷۳ هزار بشکه در روز رسید. در حال حاضر هند پس از چین دومین واردت کننده نفت ایران است (Ibid).

۲-۲-۷- اهمیت گاز ایران برای هند

در سال مالی ۱۷-۲۰۱۶، هند ۵۵ هزار و ۵۳۴ میلیون متر مکعب گاز مصرف کرد که ۲۴ هزار و ۶۸۶ میلیون متر مکعب آن از کشورهای دیگر وارد شد. هند هم‌اکنون چهارمین وارد کننده بزرگ گاز جهان به شمار می‌رود که بخش عمده آن از قطر تأمین می‌شود. در ابتدا قرار بود گاز ایران از طریق خط لوله صلح وارد پاکستان و از آنجا وارد هند شود ولی این خط لوله به دلیل بدعهدی پاکستان متوقف شد. باین حال در راستای نیازمندی‌های گازی هند، آنها به دنبال اجرای صادرات گاز ایران از طریق بستر دریای عمان هستند. در صورت توافق نهایی سه کشور ایران، هند و عمان، گاز ایران از طریق خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری در بستر دریا به هندوستان صادر می‌شود که به عنوان طولانی‌ترین خط لوله انتقال گاز زیردریایی جهان به شمار خواهد رفت. این خط لوله برای انتقال روزانه ۳۱/۵ میلیون مترمکعب گاز از ایران به هند طراحی شده و می‌تواند در طی مدت دو سال احداث شود. هزینه اجرای این پروژه ۴/۵ میلیارد دلار برآورد شده که توسط شرکت هندی سیج (Sage) اجرا می‌شود. در امکان‌سنجی طرح آمده است، گاز طبیعی وارداتی از طریق این خط لوله ۴ میلیارد دلاری، ۵ تا ۵۰/۵ دلار به ازای هر میلیون Btu هزینه خواهد داشت که نسبت به نرخ گاز برخی از میادین گازی داخلی مقرون به صرفه‌تر خواهد بود (Live Mint, 2017, sep 5)

۲-۲-۸- بندر چابهار-گوادر/ توازن چینی- پاکستانی در برابر توازن هندی- ایرانی

از حیث تأثیرگذاری بندر چابهار و گوادر بر یکدیگر، با توجه به نگاه بازیگران اصلی دخیل

(هند- ایران و چین- پاکستان)، مسئله از دو منظر، تهدیدمحور و فرصت‌محور قابل بررسی است که در اینجا محل بحث نیست. در حال حاضر یکی از جنبه‌های رقابتی مهم دو کشور ایران و پاکستان حول دو بندر استراتژیک چابهار و گوادر است. دلایل مهم این رقابت نه تنها از نظر اقتصادی حائز اهمیت است بلکه در طرح توسعه این بنادر یک سری عوامل سیاسی نهفته است که می‌توانند باعث بروز پاره‌ای از رقابت‌ها و تنش‌ها باشند. به عنوان مثال حضور دو قدرت اثر گذار چین و هند در ساخت و توسعه این بنادر می‌تواند جنبه عینی به اهداف رقابتی این قدرت‌ها ببخشد (محمدی و احمدی الف، ۱۳۹۴: ۲۳۴). نظارت بر مناطق واگرای قومی (ایالت بلوچستان پاکستان و ایالات سین کیانگ چین)، اهداف اقتصادی، اجرای سیاست زنجیره مرواریدها (استراتژی بلند مدت چین در اقیانوس هند)، نظارت بر نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس، اهداف نظامی، دور زدن مسیر طولانی و ناامن تنگه مالاکای مالزی و... از جمله اهداف چین و پاکستان در توسعه بندر گوادر است. در حقیقت این بندر، نگین رابطه استراتژیک چین - پاکستان و کلید آینده روابط استراتژیک و اقتصاد پایدار بلند مدت دو کشور خواهد بود (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). به وضوح هند نیز اهداف مهمی در توسعه بندر چابهار ایران دارد. دور زدن مسیر پاکستان در ورود به افغانستان، ورود به بازارهای آسیای میانه (انرژی) و افغانستان، ورود به بازارهای ایران، ورود به کشورهای حوزه دریای خزر از طریق ایران و... از جمله اهمیت بندر چابهار برای ایران است. باین حال همان‌طور که گفته شده، دو بندر فوق دارای کنشگری‌های سیاسی بر یکدیگر دارند. برخی معتقدند کمک چین به پاکستان در ساخت بندر گوادر بخشی از «طرح شیطان‌ی چین» در مقابله با افزایش و قدرت نفوذ هند در امور جهان در نظر گرفته شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۲). بنابراین با توجه به اینکه در حال حاضر، چین در حال عملیاتی کردن طرح توسعه گوادر است و هند قرار است که در توسعه بندر چابهار به ایران کمک کند، به نظر می‌رسد در آینده این دو بندر رقیب سرسختی برای همدیگر باشند؛ به گونه‌ای که توسعه دیگری، آن یکی را شدیداً تحت شعاع خود قرار دهد. غیرازاین، به مرور جایگاه پراهمیت این بنادر برای کشورهای منطقه و جهان، تشدید رقابت کشورهای رقیب (ایران و پاکستان، چین هند و حتی آمریکا و روسیه) را به همراه خواهد داشت (محمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۷).

۳- نتیجه

پس از بررسی اجمالی که صورت گرفته اگر بخواهیم در یک جمع‌بندی به پاسخ سوالات مطرح شده در پژوهش برسیم، باید گفت ایران و پاکستان دارای پتانسیل همگرایی در زمینه‌های متعدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی هستند. عضویت در سازمان اقتصادی اکو، عضویت در سازمان همکاری کشورهای اسلامی و عضویت در سازمان اقتصادی، امنیتی و سیاسی شانگهای بخشی از دارایی‌های مشترک دو کشور در رسیدن به همگرایی است. البته تا رسیدن به همگرایی کامل و یک منطقه‌گرایی واقعی میان پاکستان، ایران، افغانستان و هند هنوز زمان زیادی باقی مانده- ولی دور از دسترس نیست. همان‌گونه که گفته شده پاکستان میراث‌دار کشوری استعماری است که از بدو تولد طی گذشت تقریبی هفت دهه از عمر آن درگیر چالش‌های فراوان با همسایگانش بوده. اساسی‌ترین چالش ایران و پاکستان بیشتر از ناحیه گروه‌های تندروی وهابی در پاکستان و تحت حمایت عربستان سعودی است. هرچند که این مسئله را می‌توان میراث ژنرال ضیاءالحق دانست. او بود که محیط پاکستان را ردیکالیزه کرد و تنش‌های مذهبی به راه انداخت. پس از آن نیز، پاکستان به کرار در برخورد با همسایگان (به‌خصوص هند و افغانستان) از گروه‌های تروریستی ضد هندی و طالبان در افغانستان به عنوان یک دارایی راهبردی استفاده کرده. ولی نباید، این گمان دائمی باشد که هرگاه گروه‌های افراطی در پاکستان در مرزهای شرقی برعلیه ایران و در داخل پاکستان برعلیه شیعیان آن کشور اقدامی انجام دادند، با قطعیت آن را منتصب به دولت و ملت پاکستان دانست. پاکستان همواره این اقدامات را محکوم کرده و برای رفع سوء تفاهمات به‌وجود آمده پیش‌قدم شد. به‌عنوان مثال اعدام حق نواز، قاتل شهید گنجی (۱۳۷۹)، و تروریستی اعلام کردن گروه ضد شیعی سپاه صحابه توسط ژنرال مشرف (۲۰۰۲ میلادی) از این دسته اقدامات است. بی‌شک چنین تحلیل‌های ناشیانه و ناصواب ناشی از عدم شناخت درست سیاست خارجی، محیط داخلی و روابط سیاسی پاکستان است. با همه‌ی این احوالات مرزهای ایران و پاکستان همواره مرز دوستی بوده و هست. کم‌اینکه تا حالا این کشور در هیچ ائتلاف ضدایرانی وارد نشده و برعلیه منافع منطقه‌ای و جهانی ایران نیز اقدامی انجام نداده است، بلکه همواره با تحریم‌های ضدایرانی و تهدید ایران از سوی هر کشور و سازمانی مخالفت کرده است. به‌عنوان مثال، با وجود اینکه سطح روابط پاکستان با عربستان سعودی (رقیب ایران) راهبردی است؛ پاکستان هیچگاه در ائتلاف‌هایی که به رهبری سعودی (در سوریه و یمن و سایر کشورها) و برعلیه منافع ایران بوده، وارد نشده. در یک مقایسه اجمالی باید گفت

در حال حاضر هند در ردیف یکی از مهمترین شرکای اقتصادی ایران (پنجمین شریک) و یکی از بزرگترین مشتریان انرژی ایران است. همچنین هند در حال حاضر گزینه اصلی توسعه بندر چابهار است (به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری) است. ورود هند به ایران پیامدهایی مثبت فراوانی (سیاسی، امنیتی، اقتصادی و...) برای هر دو کشور ایران و هند دارد. البته نباید این مسئله از طرف ایران باعث حساسیت‌های خاص پاکستان شود. همان‌گونه که پیش از این - گفته شده، هند و پاکستان هر دو از علقه‌های فرهنگی و تمدنی ایران و از کشورهای مهم و مورد اعتماد در سیاست خارجی ایران‌اند؛ ازینرو ترجیح یک کدام بر دیگری به دور از منطق سیاست خارجی تعاملی و توسعه‌گرا است.

۴- منابع

۱. احمدی، ابراهیم، ژئوپلیتیک همگرایی و واگرایی منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.
۲. اطاعت، جواد و احمدی، ابراهیم، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱-۲۴، ۱۳۹۴.
۳. احمدی فشارکی، حسنعلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل، فصلنامه مطالعات جهان، شماره ۲، زمستان، صص ۱۸۲-۱۴۹، ۱۳۹۰.
۴. بورک، اس.ام و زایرینگ، لارنس، تاریخ روابط خارجی پاکستان، ترجمه ایرج وفایی، تهران: نشر کویر، ۱۳۷۷.
۵. جانسیر، احمد و تقی‌زاده انصاری، محمد و بهرامی مقدم، سجاد، تحول سیاست خارجی هند (درعمل‌گرایی اقتصادی دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس)، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۵۰-۲۵، ۱۳۹۵.
۶. دئورتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۴.
۷. رفیع، حسین، تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۱۷۷-۲۱۱، ۱۳۹۴.
۸. رشیدی، احمد و شاه‌قلعه، صفی‌الله، مبانی فکری ضدیت طالبان‌نیم پاکستان با شیعیان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۲، ۱۳۹۱.

۹. زر قانی، سید هادی و احمدی، ابراهیم، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و هند در چارچوب وابستگی‌های متقابل، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال چهارم، شماره ۲، بهار و تابستان، صص ۸۵-۵۵، ۱۳۹۵.
۱۰. زرگر، افشین، همگرایی و واگرایی در روابط ایران و هندوستان، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار، شماره ۵۷، صص ۱۸۲-۱۳۱، ۱۳۸۶.
۱۱. شاهین، مهدی، بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۸۲-۶۳، ۱۳۹۵.
۱۲. شفیع، نوذر و فرجی‌نصیری، شهریار، ترتیبات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۱-۹، ۱۳۹۳.
۱۳. شفیع، نوذر و فرجی‌نصیری، شهریار و متقی، افشین، رویکرد هند در قبال افغانستان پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (با نگاه به ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۵، ۱۳۹۱.
۱۴. شکوه، حسن، درآمدی بر روابط اقتصادی ایران و پاکستان، منتشر شده در مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۱۵. فرزین‌نیا، زیبا، سیاست خارجی پاکستان، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳.
۱۶. _____، روابط هند و چین؛ همکاری و رقابت، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، صص ۴۶-۱۵، ۱۳۸۸.
۱۷. فولر، گراهام، قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۱۸. فرانکل، جوزف، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، چاپ دوم، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.
۱۹. قوام، سید عبدالعلی، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۲۰. کاظمی، علی‌اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۳.
۲۱. محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم، تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و نهم، شماره ۲، صص ۳۲۳-۳۰۷، ۱۳۹۶.
۲۲. _____، ۱۳۹۵، تحلیل دو سطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان

- (تیبینی از سناریوی آینده روابط بر اساس ارائه‌ای از راهکارهای همگرایی)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹ (شماره پیاپی ۴۹)، صص ۱۵۵-۱۲۹، ۱۳۹۵.
۲۳. _____، ابراهیم، ژئوپلیتیک ایران و پاکستان (زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای)، چاپ اول، تهران: نشر انتخاب، ۱۳۹۴ الف.
۲۴. _____، واگرایی در روابط ایران و پاکستان با تأکید بر افراطی‌گری مذهبی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۶۹-۱۴۳، ۱۳۹۴ ب.
۲۵. ملکی، عباس، درس‌هایی که از روابط جدید هند و ایالات متحده می‌توان آموخت، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وسوم، شماره ۷۰، صص ۳۲۹-۳۳۸، ۱۳۹۳.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۲۷. مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق، دگرگونی مفهوم تروریسم؛ بررسی موردی تروریسم در هند، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۹ و ۲۶۰، صص ۵۵-۳۶، ۱۳۸۸.
۲۸. ویسی، هادی، بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی - جنوبی اوراسیا: مزیت‌ها و تهدیدها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۰۱، ۱۳۹۶.

29-Baqal, Huma, **Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective**, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 1 No. 6, June, Pp.242-248, 2012

30-D'Souza, S.M, **Afghanistan in South Asia: Regional Cooperation or Competition?**, South Asian Survey, Vol. 16, No.1, 23-42, 2009.

31-Fair, C. Christine, **Under the Shrinking U.S. Security Umbrella: India's End Game in Afghanistan**, THE Washington Quarterly, spring, 2011, available at: <http://www.twq.com/11spring/docs/11spring>

32-Gautam, Mukhopadhaya, **Is a Regional Strategy Viable In Afghanistan**, Carnegie Endowment for International Peace, 2010.

33-Jamal, Arif, **A Guide to Militant Groups in Kashmir**, Terrorism Monitor, Vol. 4, No. 5, 2010

34-Hass, B. Ernest, **Beyond the Nation-State**, California: Stanford University Press, 1964.

[Iran's Foreign Trade Up 5%](https://financialtribune.com/articles/.../iran-s-foreign-up-5-mar-aug), Financial tribune, **Mar-Aug 2017**, in: <https://financialtribune.com/articles/.../iran-s-foreign-up-5-mar-aug>

35-Keohane, R, **After hegemony: Cooperation and discord in the World political economy** Princeton, Princeton University Press, N.J, 1984

- 36-Live Mint , **Undersea Iran-India gas pipeline can bring cheaper LNG to India** , 2017 sep 5, in: *www.livemint.com › Industry › Energy*
- 37-Lieber, Robert, J, **Theory and World Politics**, Massachusett: Winthrop Publishers, 1972
- 38-Nader & et al., **Iran's Influence in Afghanistan Implications for the U.S. Drawdown**, RAND Corporation institute, 2014.
- 39-Panda, Ankit , **First Indian Wheat Shipment Leaves for Afghanistan Via Iran's Strategic Chabahar Port**, the Diplomat, 2017, in: <https://thediplomat.co/2017/09/05/first-indian-wheat-shipment-leaves-for-afghanistan-via-chabahar-port/>.
- 40-Shah, Zahir and Ijaz Khalid , **Pakistan-Iran Relations in the Changing Global Scenario Post**, Journal of Applied Environmental and Biological Sciences, Vol.5, No.6,Pp. 206-212, 2015
- 41-Sial, Safdar, **An analysis of emerging Pakistan-Iranian ties**, Norwegian Peace building Resource Centre, Pp.1-7, 2015.
- 42-Statistical Review of World Energy**, BP, pp. 1-44, 2015, at moor: www.bp.com/en/global/energy/statistical-review-of-world-energy.html (pdf)
- 43-Statistical Review of World Energy**, 64th Edition, 2015, Available at: <http://www.bp.com/statisticalreview>=Bpstate, (Accessed on: 7/3/2016).
- 44-Taylor, Paul, **The Functionalist Approach to the Problem of International Order**, A Defense Political Studies, XVI, 3, 1968
- 45-Teja, Jaskaran, **India–Iran Relations in a New Context**, American Foreign Policy Interests, Vol.37, No.2, Pp87-94, 2015.
- 46-U.S. Energy Information Administration (E.I.A.), **Country Analysis Brief: India**, June 14, 2016, accessed August 2, 2016, https://www.eia.gov/beta/international/analysis_includes/India/india.pdf.
- 47-U.S. Energy Information Administration (E.I.A.), **Under Sanctions, Iran's Crude Oil Exports Have Nearly Halved in Three Years**, June 24, 2015, accessed August 2, 2016, <http://www.eia.gov/todayinenergy/detail.cfm?id=21792>; and U.S. Energy
- 48-Verma,Nidhi, **India's 2015 Iran Oil Imports Fall by a Quarter – Trade**, Reuters, January 7, 2016, accessed August 2, 2016, <http://in.reuters.com/article/india-iran-oil-import-idINKBNOUL0NV20160107>.
- 49-Verma,Nidhi, **India Oil Imports from Iran Jump Sharply in 2014**, Reuters, January 16, 2016, accessed August 2, 2016, <http://www.reuters.com/article/india-iran-oil-idUSL3N0UT4BG20150116>